



آرایه تکرار در غزلیات حافظ

چکیده

یکی از موضوعات بایسته پژوهش در دانش بدیع، هنر سخن آرای و تأثیر بلاغی آرایه «تکرار» است که یکی از عوامل مؤثر در ایجاد موسیقی درونی (لفظی) شعر قلمداد می‌شود و بسامد آن در واج‌ها، هجاها، واژگان و جملات زیبایی می‌آفریند. نگارنده در این نوشتار بر آن است که کارکردهای زیبایی‌شناختی آرایه تکرار را در غزلیات حافظ شیرازی به کمک علم بدیع لفظی و دستور زبان فارسی مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها:

بدیع، سخن آرای، موسیقی شعر، واج، هجا، واژه، جمله، ردیف

آغاز سخن

یکی از شاخه‌های بنیادین و کارآمد دانش بدیع لفظی، آرایه «تکرار» است که موسیقی درونی شعر را به وجود می‌آورد^۱ و بسامد آن در واج‌ها، هجاها، واژگان و جملات - اگر سخته و سنجیده به کار رود - زیبایی می‌آفریند. تکرار از قوی‌ترین عوامل تأثیر است که به کمک آن می‌توان عقیده یا فکری را به کسی القا کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۸۰) و در هنر سخن آرای از مسائل اساسی است که اصولاً یکی از مختصات سبک ادبی قلمداد می‌شود. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۹)

کارآیی و پایایی این آموزه ادبی تا آنجاست که بدون آگاهی و توجه به آن، نه ادیبان و سخنوران می‌توانند برای برازندگی

اسماعیل نساجی زواره

دبیر ادبیات

دبیرستان‌های زواره

اصفهان

مقوله تکرار علاوه بر دیدگاه سبک‌شناسی از دیگر دیدگاه‌های ادبی همچون: بدیع لفظی، دستور زبان، معانی و بیان و عروض و قافیه قابل توجه و امعان نظر است

خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد
که تا ز خال تو خاکم شود عبیر آمیز
(حافظ، ۱۳۷۰: غزل ۲۶۶)

ب) واج‌آرایی هم‌پایانی: واج تکرار شده در پایان چند واژه آمده است؛ مانند: واج «م» در این بیت:

چو پرده‌دار به شمشیر می‌زند همه را
کسی مقیم حرم نخواهد ماند
(ثروتیان، ۱۳۸۰، دفتر دوم، ۱۸۳۸)

پ) واج‌آرایی هم‌میانگی: واج تکرار شده نه در آغاز و نه در پایان واژه‌ها آمده است؛ مانند واج «س» در مصراع اول این بیت:

نقش مستوری و مستی نه به دست من و
توست
آنچه سلطان ازل گفت بکن آن کردم
(همان، دفتر سوم، ۲۸۴۶)

ت) واج‌آرایی هم‌آغازی و هم‌پایانی: در این نوع تکرار واج تکرار شده در پایان و آغاز دو واژه پیاپی آمده است؛ در پایان اولی و در آغاز دومی؛ مانند واج‌های «ر» و «گ» در این بیت:

نثار روی تو هر برگ گل که در چمن است
فدای قد تو هر سرو بن که بر لب جوست
(حافظ شیرازی، ۱۳۷۰: غزل ۵۸)

ث) واج‌آرایی پراکنده: واج تکرار شده بدون هیچ نظم و قانونی در جاهای مختلف چند واژه آمده است؛ مانند واج «س» در این بیت:

بس بگشتم که بپرسم سبب درد فراق
مفتی عقل در این مسئله لایعقل بود
(همان: غزل ۲۰۷)

ج) واک‌آرایی: عبارت است از تکرار یا توزیع مصوت در واژه‌ها که در این نوع

کارهای ادبی - هنری خود قلم‌فرسایی کنند و نه سخن‌سنجان و ادب‌ورزان می‌توانند به طور صحیح سخن را بسنجند و بیازمایند. نگاه کلی و عمومی به فرایند تکرار در جهان و زندگی آدمی و بررسی جوانب مثبت و منفی آن شاید بتواند رهگشای این مقال باشد، وجود تکرار در همه نمادهای عالم به گونه‌های مختلف قابل تشخیص و تبیین است و اصولاً وجود و هستی مبتنی بر تکرار است. ممکن است که این فرایند از جهاتی ملال‌آور و خسته‌کننده باشد؛ چنان که بسیاری از تکرارها آنجا که مقابل تنوع و خلاقیت باشد، موجب ایستایی و رکود می‌شوند اما در ادب، در بسیاری موارد نه تنها تکرار ملال‌آور نیست، بلکه پسندیده، شیرین و ضروری است. (جمالی، ۱۳۸۳: ۶۱)

چنان که حافظ شیرازی در مقام «عشق» می‌گوید:
یک قصه بیش نیست غم عشق، وین عجب
کز هر زبان که می‌شنوم نام‌کرر است (حافظ شیرازی، ۱۳۷۰: ۵۷)
در سبک‌شناسی این صنعت از اختصاصات سبک خراسانی به‌شمار می‌آید اما در شیوه شاعران سبک عراقی، همچون سعدی و حافظ، جلوه‌ای خاص دارد.

مقوله تکرار علاوه بر دیدگاه سبک‌شناسی از دیگر دیدگاه‌های ادبی همچون: بدیع لفظی، دستور زبان، معانی و بیان و عروض و قافیه قابل توجه و امعان نظر است. نگارنده در این نوشتار قصد دارد که با الهام گرفتن از غزلیات خواجه حافظ شیرازی و استناد به آن‌ها به بیان این آرایه از منظر دانش بدیع و دستور زبان فارسی بپردازد.

واج‌آرایی

آرایش موزیکی سخن از راه تکرار بجا و هنرمندانه یک یا چند واج (صامت یا مصوت) واج‌آرایی نام دارد (راستگو، ۱۳۸۲: ۱۲). این نوع تکرار را در علم بدیع «نغمه حروف» می‌نامند؛ به طوری که موسیقی سخن را افزون و گوش‌نواز می‌سازد. در این شیوه سخن‌آرایی، یک یا چند واج در واژگان یک مصراع یا یک بیت تکرار می‌شود و توجه خواننده یا شنونده را هنرمندانه به سوی خود جلب می‌کند. این نوع تکرار خود چندگونه است: الف) واج‌آرایی هم‌آغازی: در این گونه تکرار، واج تکرار شده در آغاز چند واژه می‌آید و به عنوان یک عامل ایجادکننده موسیقی لفظی درخور توجه است؛ مانند: واج «خ» در این بیت حافظ:

آرایه تکرار از بهترین نعمات در خوان هنر سخن‌آرایی است که از جهات مختلف به انواع شعر و نثر زیبایی و آهنگ خاص می‌بخشد

تکرار مصوت‌های بلند هم چشمگیرتر و هم زیباتر است و از میان آن‌ها مصوت بلند «آ» بسامد بالاتر و بیشتری دارد؛ مثلاً، حافظ با تکرار و توالی مصوت «آ» هنرمندانه ممدوح و محبوب خود را وصف می‌کند و به مدح خود، رنگ غزل عاشقانه می‌زند:

جان بی جمال جانان میل جهان ندارد
و آن کس که این ندارد حقا که جان ندارد

(ثروتیان، ۱۳۸۰، دفتر دوم: ۱۱۴)

در این بیت، مصوت بلند «آ» ده‌بار در واژه‌های مختلف تکرار شده است. اگر به موسیقی و آهنگی که از بیت برمی‌خیزد دقت کنیم، درمی‌یابیم که تکرار آگاهانه یک مصوت تا چه اندازه در غنای موسیقی درونی شعر حافظ مؤثر بوده و به گوش‌نوازی آن کمک کرده است. (هادی، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

اما در این نوع تکرار مصوت‌های کوتاه نه بسامد بالایی دارند و نه نمود موسیقایی آشکاری. جز مصوت کوتاه «ب» در پی نتایج اضافات:

خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
به قصد جان من زار ناتوان انداخت

(حافظ شیرازی، ۱۳۷۰: غزل ۱۶)

همچنین، تکرار واج‌ها در غزلیات حافظ شاخه‌هایی از آرایه جناس را متجلی کرده که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱. جناس اشتقاق:
ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دل رمیده ما را انیس و مونس شد

(همان: غزل ۱۶۷)

کلمات «انیس و مونس» جناس اشتقاق است
۲. جناس ناقص حرکتی:

ای گدایان خرابات، خدایار شماست
چشم انعام مدارید زانعامی چند
کلمات «انعام و انعام» جناس ناقص حرکتی است.
۳. جناس قلب:

این سرکشی که کنگره کاخ وصل راست
سرها بر آستانه او خاک در شود
کلمات «کاخ و خاک» جناس قلب است.

(همان: غزل ۲۲۶)

هجا آرایی

آرایش سخن از راه کاربرد ویژه هجاهای هجا آرایی نام دارد؛ به طوری که از این رهگذر موسیقی سخن گوش‌نواز و دلپذیر می‌شود. مانند این بیت حافظ:

شد رهن سلامت زلف تو وین عجب نیست
گر راهن تو باشی، صد کاروان توان زد
هجای «وان» در واژه‌های «کاروان» و «توان» تکرار شده است.

(همان: غزل ۱۵۴)

واژه آرایی

از دیگر جنبه‌های هنری تکرار در شعر، تکرار واژه است که شاعر آگاهانه و هنرمندانه از آن بهره می‌برد. تکرار واژه را در شعر از دیدگاه‌های مختلف ادبی می‌توان بررسی کرد. در ادامه نوشتار این مقوله را از منظر علم بدیع و دستور زبان مورد تعمق و امعان نظر قرار خواهیم داد.
از جنبه بدیعی تکرار واژه در شعر حافظ مبتنی بر آرایه‌های زیر است:

■ جناس تام:
گر آمدم به کوی تو چندان غریب نیست
چون من در آن دیار هزاران غریب هست
در این بیت کلمه «غریب» جناس تام است که یک بار به معنای «شگفت و عجیب» و دیگر بار به معنای «غریبه و بیگانه» آمده است. (راستگو، ۱۳۸۲: ۵۶)

■ جناس مرکب:
شهر یاران بود و خاک مهربانان این دیار
مهربانی کی سرآمد شهر یاران را چه شد؟
ترکیب «شهر یاران» به معنای شهر شیراز است و واژه «شهر یاران» به معنای پادشاهان است. (ثروتیان، ۱۳۸۰، دفتر دوم: ۱۷۲۹)

(حافظ شیرازی، ۱۳۷۰: غزل ۱۷۹)

منتقدان و صاحب‌نظران علوم بلاغی بیشتر بر تأثیر موسیقایی آرایه تکرار بر شعر از دیدگاه علم بدیع توجه کرده‌اند و کارکردهای آن را از دیدگاه سبک‌شناسی و معانی کمتر مدنظر قرار داده‌اند که این دو موضوع خود می‌تواند بستر مناسبی را در عرصه‌های علم معانی و سبک‌شناسی جهت تحقیقات و پژوهش‌های بعدی فراهم سازد



■ تکریر: در یک بیت یک کلمه دو بار پشت سر هم تکرار شده است؛ مانند این بیت حافظ:

نفس نفس اگر از باد نشنوم بویت

زمان زمان چو گل از غم کنم گریبان چاک (همان، دفتر سوم: ۲۷۲۹)

■ تصدیر: نوعی تکرار است که در آغاز و پایان بعضی از ابیات حافظ آمده است. تصدیر نیز سبب زیبایی شعر است و بر تأثیر آن می‌افزاید:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست

عالمی دیگر بیا بد ساخت وز نو آدمی (همان، دفتر چهارم: ۳۷۳۳)

■ التزام یا اعنات: در هر مصراع یا بیت کلمه‌ای را تکرار کنند. به عبارت دیگر، شعری است که هر دو مصراع آن تکرار دارد:

دوای توست دوای توست حافظ

لب نوشش لب نوشش لب نوش (همان، دفتر سوم: ۲۶۵۲)

■ تبدیل و عکس: مصراعی را به دوپاره تقسیم کنند و آن دوپاره را در مصراع دیگر بر عکس تکرار کنند؛ همچون شعر زیر که منسوب به حافظ است:

دلبر جانان من برده دل و جان من

برده دل و جان من دلبر جانان من

روضه رضوان من خاک سرکوی دوست

خاک سرکوی دوست روضه رضوان من

یوسف کنعان من مصر ملاحه تورا است

مصر ملاحه تورا است یوسف کنعان من (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۶)

از نظر دستوری نیز تکرار واژه در مقام ردیف گونه‌های مختلف دارد که مهمترین آن‌ها به شرح زیر است:

الف) اسم در جایگاه ردیف: «شمع»

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

شب‌نشین کوی سربازان و زندانم چو شمع

(حافظ شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۳۷۰، غزل ۲۹۴)

ب) فعل ساده در جایگاه ردیف: «می‌بینم»

در خرابیات مغان نور خدا می‌بینم

این عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

(همان، غزل ۳۵۷، ص ۴۸۵)

پ) فعل پیشوندی: «برآید»

دست از طلب ندارم تا کام من برآید

یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید

(همان، غزل ۲۳۱)

ت) فعل امر: «بگو»

ای پیکِ راستان خبر یار ما بگو

احوال گل به بلبل داستان سرا بگو

(همان، غزل ۴۱۵)

ث) فعل نهی: «مپرس»

دارم از زلف سیاهش گله چندان که مپرس

که چنان زو شده‌ام بی‌سروسامان که مپرس (همان، غزل ۲۷۱)

ج) فعل دعایی: «باد»

روز وصل دوستداران یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد (همان، غزل ۱۰۳)

چ) شبه جمله (صوت): «الغیاث»

درد ما را نیست درمان الغیاث

هجر ما را نیست پایان الغیاث (همان، غزل ۹۶)

ح) ضمیر منفصل: «تو»

تاب بنفشه می‌دهد طره مشک سای تو

برده غنچه می‌درد خنده دلگشای تو (همان، غزل ۴۱۱)

خ) ضمیر مشترک: «خویش»

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش

بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش (همان، غزل ۲۹۱)

د) مصدر: «خواهد بودن»

خوش‌تر از فکر می و جام چه خواهد بودن؟

تا ببینم که سرانجام چه خواهد بودن؟ (همان، غزل ۳۹۱)

ذ) ضمیر اشاره: «این»

می‌فکن بر صف رندان نظری بهتر از این

بر در می‌کده می‌کن گذری بهتر از این (همان، غزل ۴۰۴)

ر) مضاف‌الیه: «عمر»

ای خرم از فروغ رخت لاله‌زار عمر

باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر (همان، غزل ۲۵۳)

ز) صفت مبهم: «دگر»

گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر

بجز از خدمت رندان نکند کار دگر (همان، غزل ۲۵۲)

ژ) قید پرسش: «کجا»

صلاح کار کجا و من خراب کجا

بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا (همان، غزل ۲)

س) قید مختص: «هنوز»

بر نیامد از تمنای لب‌ت کامم هنوز

بر امید جام لعلت دردی آشامم هنوز (همان، غزل ۲۶۵)

تکرار جمله در شعر ممکن است به صورت یک مصراع یا یک بیت باشد و آن صورت‌های مختلف دارد که «ردالمطلع» یکی از مصادیق آن است



مفاهیمی همچون: امر، نهی، تأثر و اندوه، جمله خبری «برفت» که تکرار شده و ردیف غزل مزبور را تشکیل می‌دهد، معنا و مفهوم تأسّف و اندوه را دارد و بدون شک این فعل (برفت) در هر جایی از این غزل جز ردیف تکرار می‌شود، معنای تأسّف و اندوه را القا نمی‌کرد.

پ) «غم مخور»:

یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور (همان، دفتر سوم: ۲۴۰۶)
نقش این گونه ردیف‌ها خواننده و شنونده را به شاعر نزدیک‌تر می‌کند و او را سرشار می‌سازد. کوتاه سخن این که از دیدگاه علم معانی، آرایه تکرار می‌تواند به موسیقی شعر بیفزاید که در این مقال مجال شرح و توضیح آن نیست.

نتیجه‌گیری

آرایه تکرار از بهترین نعمت‌ها در خوان هنر سخن‌آرایی است که از جهات مختلف به انواع شعر و نثر زیبایی و آهنگ خاص می‌بخشد، منتقدان و صاحب‌نظران علوم بلاغی بیشتر بر تأثیر موسیقایی آرایه تکرار بر شعر از دیدگاه علم بدیع توجه کرده‌اند و کارکردهای آن را از دیدگاه سبک‌شناسی و معانی کمتر مدنظر قرار داده‌اند که این دو موضوع خود می‌تواند بستر مناسبی را در عرصه‌های علم معانی و سبک‌شناسی جهت تحقیقات و پژوهش‌های بعدی فراهم سازد.

پی‌نوشت

۱. در مقابل این نوع موسیقی، موسیقی بیرونی است که حاصل وزن عروضی شعر است و نیز موسیقی کناری که بر اثر قافیه و ردیف به وجود می‌آید و ظهور آن در سراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده است.

منابع

۱. ثروتیان، بهروز؛ شرح غزلیات حافظ، نشر پویندگان دانشگاه، دفتر اول، دوم، سوم و چهارم، ۱۳۸۰.
۲. جمالی، شهرزاد؛ تکرار اساس موسیقی شعر، مجله کیهان فرهنگی، مؤسسه کیهان، شماره ۲۱۶، ۱۳۸۳.
۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد؛ دیوان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۰.
۴. راستگو، سیدمحمد؛ هنر سخن‌آرایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲.
۵. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ موسیقی شعر، انتشارات توس، ۱۳۵۸.
۶. شمیسا، سیروس؛ نگاهی تازه به بدیع، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۱.
۷. هادی، روح‌الله؛ آرایه‌های ادبی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۷.

ش) حرف ربط: «هم»

دیدار شد میسر و بوس و کنار هم
از بخت شکر دارم و از روزگار هم

(همان: غزل ۳۴۲)

ص) تکرار دو حرف ربط هم‌معنا: «هم نیز»

دردم از یار است و درمان نیز هم
دل فدای او شدوجان نیز هم

(همان: غزل ۳۴۳)

ض) نشانه مفعول: «را»

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

(همان: غزل ۳)

جمله‌آرایی

عبارت است از جمله یا جملاتی که در میان کلام تکرار می‌شوند. تکرار جمله در شعر ممکن است به صورت یک مصراع یا یک بیت باشد و آن صورت‌های مختلف دارد که «ردالمطلع» یکی از مصادیق آن است. حافظ غزلی دارد با مطلع

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر
زار و بیمار غم‌م راحت جانی به من آر

(ثروتیان، ۱۳۸۰، دفتر سوم: ۲۳۳۷)

که مصراع اول آن در مقطع نیز تکرار شده است و بدین سبب، این آرایه را «ردالمطلع علی‌المقطع» می‌نامند. حافظ این حالت را در غزل مزبور چنین تکرار می‌کند:

دل‌م از پرده بشد دوش که حافظ می‌گفت
ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

(همان: ۲۳۳۷)

از دیگر جلوه‌های زیبای تکرار جملات در غزلیات حافظ، تکرار آن‌ها در مقام «ردیف» است؛ همچون ردیف‌های:

الف) «این همه نیست»

حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست

باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست (همان، دفتر اول: ۸۲۴)
جمله «این همه نیست»، که ردیف یکی از غزل‌های حافظ واقع شده است، ظاهراً یک جمله خبری است که شاعر آن را در معنای «بی‌ارزش است» به کار برده است؛ یعنی، این همه که تو می‌دانی، نیست و اسباب دنیا و نعمت‌های ناپایدارش شایسته غم خوردن نیستند (همان، دفتر اول: ۸۲۵)

ب) «برفت»

شربتی از لب لعلش نجشیدیم و برفت

(همان، دفتر اول: ۸۹۹)

روی مه‌پیکر او سیر ندیدیم و برفت
جملات خبری گاهی مفهوم غیرحقیقی یا ثانوی دارند؛